

شاخ سرشاخه‌های کودکان کار شکست

معاون دادستان مشهد از آخرین وضعیت سامان دهی کودکان کار و خیابان و تشکیل پرونده قضایی برای ۳۵ لیدر می‌گوید

مصاحبه



سعد آل‌زادهم
خبرنگار

«حرکت مستمر و منطقی، تعبیر درستی در زمینه سامان دهی کودکان کار و خیابان است که از سال ۱۳۹۹ بارویکردی جدید در مشهد شروع شده است. شناسایی ۳۴۰ کودک کار و خیابان در سال گذشته، نشان می‌دهد که این حرکت پیوسته، جواب داده است؛ چرا که اگر بخواهیم آمار بازه زمانی سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ را مینا قرار دهیم، در این مدت فقط ۱۲۵۶ کودک در چهار راه‌های مشهد، شناسایی شده بودند و با این حساب، اکنون مجموع آمار این کودکان نسبت به سال‌های گذشته، در شهرستان بیش از نهمصد مورد کاهش یافته است؛ هرچند این آمار متقن نیست و ممکن است تعداد کودکان کاری که از چشم ما پنهان هستند، به آن اضافه شود؛ کودکانی که ممکن است باز بچه دست‌لیدرها شده باشند. اما معاون دادستان مشهد، معتقد است که بستر امن فعالیت لیدرهای کودکان کار در مشهد، برچیده شده و طی پنج سال اخیر، ۳۵ پرونده کیفری علیه این بهره‌کش‌ان اقتصادی، تشکیل شده است. در گفت‌وگو با نیره عابدین زاده، معاون دادستان مشهد و مدیر مجتمع قضایی حمایتی شوق زندگی، به بهانه روز مبارزه با کار کودکان سعی کرده‌ایم بیشتر به بعد شناسایی و برخورد با لیدرهای این حوزه بپردازیم.

۱ اگر بخواهیم تعریفی از «کودکان کار» داشته باشیم، چه تعریفی جامع‌تر است؟

به تمام کودکان و نوجوانان زیر هجده سال تمام شمسی که به کاری اشتغال دارند که از لحاظ کمی و کیفی برای آن‌ها مضر است، کودک کار گفته می‌شود. اثرات منفی کار این کودکان، شامل بازماندن آن‌ها از تحصیل، آسیب‌های روحی و جسمی و زیر سؤال رفتن کرامت انسانی آن‌هاست، با این حال در قانون کار کشورمان، برای نوجوانان سنین پانزده تا هجده ساله، کاری که مضر نباشد، پذیرفته شده است. اما برای زیر پانزده سال هر اقدامی که مفهوم کار داشته باشد، مصداق بهره‌کشی از کودکان است و جرم محسوب می‌شود. نکته‌ای که درباره کودکان کار وجود دارد، این است که این کودکان به دلیل مشکلات اقتصادی یا اجباری که به آن‌ها تحمیل می‌شود، به کارهایی گمارده می‌شوند که منافعی برای افرادی غیر از خودشان داشته باشند.

۲ شما یکی از کسانی بودید که سعی کردید واژه سامان دهی را جایگزین واژه جمع آوری کودکان کار کنید؛ این سامان دهی به کجا رسیده است؟

باید بگویم سال‌های اولی که این کار را شروع کردم، بیشتر در حال مبارزه با عبارات بودم تا مبارزه با بهره‌کش‌ان اقتصادی از کودکان؛ به دلیل اینکه عبارت‌هایی که به کار گرفته می‌شد، مناسب نبود. درواقع وقتی می‌گفتند جمع آوری کودکان کار و خیابان، کرامت انسانی آن‌ها تحت تأثیر قرار می‌گرفت؛ چرا که این عبارات، بار معنایی منفی داشتند. مسئله بعدی، این بود که سازمان‌ها کنار هم قرار بگیرند و موازی کار نکنند. دادستانی نیز نظارت لازم را داشته باشد و هرچنان‌باز بود با کسی برخورد کند، این کار را انجام دهد. همه این موضوعات را در زیر مجموعه طرحی به نام «سایبان مهر» قرار دادیم. درواقع این طرح، دستگاه‌های مختلف مانند شهرداری، بهزیستی، دادگستری و... را کنار هم قرار می‌داد تا بتوانند در کنار یکدیگر برای شناسایی، جذب، سامان دهی و توانمندسازی کودکان کار و خیابان با محوریت خانواده، هم‌افزایی کنند.

۳ آمار کودکان کار و خیابان بعد از این سامان دهی، چه تغییری کرده است؟

در سال‌های اول شروع این سامان دهی، آمار خیلی زیاد بود. بیش از ۱۰۰۰ کودک کار و خیابان در مشهد داشتیم که درصد قابل توجهی از آن‌ها اتباع بودند و بیشتر این اتباع نیز به صورت غیرمجاز در کشور حضور داشتند. اما نمی‌توان گفت که این آمار زیاد به معنای افزایش تعداد کودکان کار بود، بلکه این آمار به معنای شناسایی بیشتر آن‌ها بود. دادستانی شهر نیز بیدار بود و سازمان‌ها را پای کار آورد. درواقع از صفر شروع کردیم، حتی به رانندگان گشت‌ها هم آموزش دادیم که نحوه مواجهه‌شان با این کودکان چگونه باشد؛ زیرا آن‌ها مجرم نیستند، بلکه بزرگ‌دیده و در معرض خطر هستند. باید در مراحل شناسایی، نگهداری و تحویل به خانواده، کرمانشان حفظ شود. در حوزه کودکان کاری که از اتباع بودند، نیز کاهش داشتیم؛ چرا که برخی از آن‌ها از کشور رفتند و بعضی دیگر نیز طرد شدند. حمایت از کودکان اتباعی که به صورت غیرمجاز در کشور حضور داشتند، نیز ضعیف بود؛ به دلیل اینکه کد اتباع نداشتند، خیلی از آن‌ها نیز خانواده مؤثر نداشتند. در همین راستا، جلسات مختلفی با اداره کل اتباع برگزار کردیم تا آن‌ها بتوانند از خیریه‌ها کمک بگیرند یا پدر و مادرهایشان توجه بشوند؛ زیرا والدینی بودند که وضع اقتصادی بدی نداشتند، اما کودکانشان راه کار می‌گرفتند؛ باید برای آن‌ها، پرونده کیفری تشکیل می‌شد تا بدانند که در حق بچه ظلم می‌کنند. تقریباً ۶ سال است که شناسایی کودکان کار و خیابان، دقیق‌تر شده است. در سال ۱۴۰۴، تعداد کودکان کار شناسایی شده، ۱۰ نفر بود و جدای از این آمار، ۲۲۰ کودک «خیابان و آسیب» هم داشتیم. از این ۱۱۰ کودک، هفت نفر به سرپرست بودند و به مراکز شبه خانواده منتقل شدند. تعداد دیگری از این کودکان کار به مراکز نگهداری موقت بهزیستی سپرده شدند و بعد از مدتی با بهبود شرایط خانواده، به آن‌ها تحویل داده شدند. متأسفانه از تعداد ۳۴۰ کودکی که در سال گذشته شناسایی شدند، ۱۶۰ کودک اعتیاد داشتند.

۴ به کاهش تعداد کودکان کار و خیابان اشاره کردید، اما به نظر می‌رسد باز هم این آمار قطعی نباشد. آیا تعداد کودکان کاری که از دید شما پنهان هستند، پیش‌بینی پذیر است؟

۱۰۰ درصد این آمار نمی‌تواند متقن باشد، اما واقعاً نمی‌توان پیش‌بینی کرد؛ زیرا این موضوع، اجتماعی است و نمی‌توان به این شکل آمار را ارائه داد. اما پیش از این در حال برنامه‌ریزی بودیم که تیم‌هایی را برای شناسایی این کودکان به انبارهای زباله و باز یافت اعزام کنیم و از طرف دیگر، تعداد بچه‌های بازمانده از تحصیل شهر و استان را بررسی کنیم که به مسئله جنگ، برخورد کردیم و برنامه عقب افتاد، با این حال غریبان کودکانی را که در سن تحصیل هستند اما در مدارس ثبت‌نام نشده‌اند، شروع کرده‌ایم. ضمن اینکه سازمان‌ها را نیز در این زمینه مکلف کرده‌ایم؛ چون چند سازمان مانند آموزش و پرورش، استانداری، بهزیستی و اداره ثبت‌احوال نیز در این خصوص، تکالیف اصلی دارند. هرچه میزان ورودی کودکان به تحصیل بیشتر باشد، خاطرم‌ان جمع‌تر است که این بچه‌ها دیگر کودک کار و خیابان نمی‌شوند؛ زیرا ارتباط معناداری بین این دو حوزه وجود دارد.

۵ تعداد کودکان بازمانده از تحصیل در سال گذشته، چقدر بوده است؟

تعداد دقیق آن‌ها را ندارم و به تازگی از آموزش و پرورش استعلام خواسته‌ام.

۶ البته آموزش و پرورش این آمار را به رسانه اعلام نمی‌کند!

من این آمار را ارائه می‌دهم؛ چون چیزی نیست که کتمان کردنی باشد. ما زمانی که اعلام کردیم بیش از هزار کودک کار داریم، مردم کمک کردند و نتیجه چه شد؟ اکنون آمار خیلی کاهش پیدا کرده است. درواقع بارانه این آمار، حمایت کاذب به یک حمایت هوشمندانه، تغییر پیدا کرد.

۷ در سال‌های اخیر، سعی کرده‌اید با تعریف و تبیین‌ها، موضوع آسیب کودکان کار و خیابان را برای دستگاه‌ها روشن کنید، اکنون چه تعداد از ۱۳ دستگاه متولی در این زمینه، پای کار آمده‌اند؟ آیا ترک فعل دستگاهی در این حوزه، مشخص شده است؟



علیه فرد، اعلام جرم شده بود و باید در یک محکمه به آن رسیدگی می‌شد، اما آن فرد دفاعیاتی را مطرح می‌کرد مبنی بر اینکه پدر و مادر، بچه را به او سپرده‌اند یا اینکه گزارش کذب است و اثبات این ادعاها، واقعاً پروژه سختی برای ما بود؛ زیرا ممکن بود قضاات، اظهارات بچه‌ها را قبول نکنند، در حالی که وقتی اظهارات بچه‌ها تعداد قابل توجهی است، نمی‌توان آن را نوعی سند تلقی نکرد. به همین دلیل شاید در چند پرونده، موفق نشدیم و آن‌ها تبرئه شدند، اما مدتی که گذشت، به فکر راه‌اندازی شعبه تخصصی افتادیم و در مجتمع شوق زندگی این اقدام انجام شد. در این شعبه با مددکار و روان‌شناس نیز ارتباط می‌گرفتند و در نتیجه متوجه حساسیت این موضوع شده بودند که نتایج موفق‌تری نیز به دنبال داشت. محاکمه بعضی از این لیدرها را معلق کردیم تا تعدادی از تکالیف اجتماعی را انجام دهند. بعضی از آن‌ها نیز طبق قانون، به مجازات حبس به مدت ۶ ماه تا دو سال محکوم شدند.

۱۲ آیا مجازات حبس برای این لیدرها، بازدارنده است و می‌تواند تضمینی باشد که دیگر بهره‌کشی از کودکان کار را تکرار نکنند؟

خیر؛ تضمینی نیست که آن‌ها بعد از آزادی، دوباره این کار را انجام ندهند، اما زمانی که آن‌ها محیط را پرخطر می‌بینند، کمتر ممکن است به سمت این کار بروند. ضمن اینکه حبس، از مجازات نقدی قبل که مبلغ خیلی کمی بود، بهتر است. پیش از این، بستر خیلی پرايشان مناسب بود و کسی به آن‌ها کاری نداشت. آن‌ها را دستگیر نمی‌کردند و کسی نبود که علیه‌شان اعلام جرم کند، اما اکنون علیه آن‌ها اعلام جرم می‌شود و وکلای پرونده بچه‌ها را پیگیری می‌کنند.

۱۳ لیدرها از کودکان بی سرپرست یا بدسرپرست، بهره‌کشی می‌کنند؟

متأسفانه تمام بچه‌هایی که در زیر مجموعه لیدرها کار می‌کردند، سرپرست داشتند و با این حال مشغول کار بودند؛ به همین دلیل، حمایت کاذب، موجب ماندگاری کودک در خیابان می‌شود. اگر مردم علاقه به کمک به این بچه‌ها دارند، می‌توانند عضو شبکه ناظران شوند.

۱۴ در بین لیدرهایی که دستگیر کردید، تبعه افغانستان هم وجود داشت؟ فرایند تعقیب و دستگیری آن‌ها چقدر به طول انجامید؟

متأسفانه بیشتر لیدرها تبعه افغانستان بودند. دستگیری آن‌ها به خصوص در سال‌های اول، خیلی سخت بود و فقط یکی از آن‌ها ۶ ماه تحت تعقیب بود. اکنون عامل لیدرها در حوزه کودکان کار تا حدودی در مشهد کنترل شده، اما نمی‌توانیم بگوییم صفر شده است. اصل کاری‌ها دستگیر شدند و بعد از شناسایی، بعضی سازمان‌هایی که با آن‌ها ارتباط داشتند، دیگر در حوزه پیمانکاری با آن‌ها همکاری نکردند و این دور باطل، شکسته شده است. اگر مردم نیز متوجه فعالیت لیدری شدند، به شماره ۱۳۷ اطلاع بدهند.

۱۵ در دوره جنگ اخیر که مراکز بهزیستی به انتقال بچه‌ها به خانواده زیستی یا خانواده‌های جایگزین اقدام کردند، کم و بیش شاهد حضور کودکان کار در خیابان‌ها بودیم، نظارت‌های این دوره بر وضعیت کودکان کار چگونه بود؟

برای اینکه ایمنی بچه‌ها را در دوره جنگ تأمین کنیم، آن‌ها به صورت موقت، تحویل خانواده‌ها داده شدند. دستور ارتباط و پیگیری وضعیت بچه‌ها در این مدت را داده بودیم، اما بعد از آن بر طبق گزارش‌های مددکاران یا ناظران درباره بعضی کودکان، احساس خطر شد و دوباره به مراکز منتقل شدند و برخی دیگر هم نزد خانواده‌هایشان مانده‌اند تا اگر شرایط آن‌ها مناسب باشد، به صورت دائم ترخیص شوند.

من می‌توانم بگویم که چند دستگاه، بهتر در این زمینه کار کرده‌اند و آن‌ها به ترتیب شهرداری، بهزیستی و آموزش و پرورش هستند. اگر مشکلی هم در دستگاه‌ها وجود دارد، وقتی به آن‌ها تذکر می‌دهیم، آن‌ها رفع می‌کنند، بنابراین هنوز اعلام جرم یا ترک فعلی درباره آن‌ها انجام نداده‌ایم. اگر با وجود تذکر باز هم برای رفع اقدام نکنند، ناچار هستیم اعلام جرم کنیم.

۸ طرحی به عنوان ناظران کودک کار در مشهد اجرا شد که در اوایل اجرا، استقبال چندانی از آن نشد، اکنون اجرای این طرح در چه مرحله‌ای است؟

بله؛ از ابتدای اعلام این طرح تا مدتی، استقبال خاصی انجام نمی‌گرفت، اما خوشبختانه به تدریج با استقبال روبه‌رو شد و افرادی از جامعه وکلا، دانشجویان یا فعالان حقوق کودک در این زمینه به ما کمک کردند. اکنون پانصد زن و مرد در مشهد هستند که به عنوان ناظر کودک کار، ابلاغ دریافت کرده‌اند.

۹ واضح‌تر بگویید که ناظران کودک کار، قرار است چه کاری در قبال این کودکان انجام دهند؟

ناظران، سمت سرپرست قانونی ندارند اما حکمی برای آن‌ها صادر می‌شود که براساس آن به مدت ۶ ماه، ناظر حقوق کودک می‌شوند و امور مختلف مرتبط با کودک مانند وضعیت تحصیل، خانواده، فقر اقتصادی و... را که برای آن‌ها مشخص شده است، پیگیری می‌کنند؛ به طور نمونه در صورتی که ناظری در کار نباشد، ممکن است خانواده، کودک را در مدرسه ثبت‌نام کند و پرونده بسته شود، اما دو ماه بعد، کودک دیگر به مدرسه نرود. با وجود یک ناظر همه این موضوعات بررسی می‌شود؛ زیرا ناظران علاوه بر تماس تلفنی، اجازه بازدید از منزل و گفت‌وگو با خانواده را نیز دارند. درواقع ما به مردم اعتماد کردیم و نقش بخش مردمی، شگفت‌انگیز بود. مردم مشهد به ما کمک کردند و موجب شدند که خلا موجود در خیلی از سازمان‌ها پوشش داده شود. هنوز نواقصی در خیلی از سازمان‌ها داریم، اما نمی‌توانیم رفع این خلا‌ها را ابزاری قرار بدهیم که کار کودک بر زمین بماند.

۱۰ ممکن است با حضور پررنگ مردم در بخش‌های حمایتی، قصور یا نقص سازمان‌ها، نادیده گرفته شده باشد؟

تذکرات ما به سازمان‌ها هنوز با برجاست. در سال گذشته به سازمان بهزیستی چندین تذکر جدی دادیم؛ مانند نواقصی که در مراکز نگهداری بود که باید رفع می‌شد و جزء جزء به آن‌ها اعلام شد. موضوعات آموزشی، بهداشتی، ایمنی، مهارت، اوقات فراغت و... درباره کودکانی که در مراکز هستند، بررسی می‌شود.

۱۱ لیدرها یکی از عاملان اصلی بهره‌کشی اقتصادی از کودکان کار هستند؛ شما در سال‌های گذشته نیز اعلام کرده بودید که تعدادی از آن‌ها تحت تعقیب هستند؛ اکنون بگویید که تا به حال چه تعداد لیدر، شناسایی و دستگیر شده‌اند؟

درباره شناسایی لیدرها و برخورد با آن‌ها، واحد اعلام جرم داریم که آن‌ها پرونده را تحویل و اگر لازم باشد، اعلام جرم می‌کنند. خودشان نیز پیگیر پرونده خواهند بود. در طول دوره پنج ساله اخیر که مشغول سامان دهی کودکان کار هستیم، ۳۵ پرونده کیفری علیه بهره‌کش‌ان اقتصادی از کار کودک، تشکیل داده‌ایم که بیشتر آن‌ها مربوط به سال‌های اول است؛ زیرا وقتی یک لیدر را بازداشت می‌کردیم، بقیه مطلع می‌شدند و کنار می‌کشیدند؛ به این دلیل که احساس خطر می‌کردند. اما کار سخت ما این بود که باید به همکاران قضایی خودمان ثابت می‌کردیم این افراد در حال آسیب رساندن به بچه‌ها هستند؛ به طور نمونه